

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۲۲ تیر ۱۳۶۳ برابر ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴
پنجاه و چهار سال اول - شماره ۱۵

چهار سال بعد از کشف کودتای نوزده روند مسخ انقلاب: تحقق اهداف کودتاگران

۱۸ تیرماه، چهارمین سالروز کشف کودتای آمریکایی نوزده بود. این توطئه در حالی پی ریخته شد که نیروهای انقلابی مدام نسبت به خطر عظیمی که انقلاب را، حفظ نظام ضد مردمی ارتش و پاجاماندن بسیاری از افسران عالی رتبه و فاداربه رژیم شاه معدوم در این ارگان، تهدید می کرد، هشدار داد میزدند. توطئه نوزده با هوشیاری پرسنل انقلابی ارتش، کشف و خنثی شد. اما به دنبال غلبه خط ارتجاعی بر حاکمیت، بسیاری از این نظامیان مبارز و فاداربه خلق و انقلاب، که بارها و بارها سذراه توطئه های گوناگون ضد انقلاب شده بودند، خود قربانی يك توطئه ضد انقلابی گشتند. رژیم آنان را تحت پیگرد قرار داد، در شکنجهگاهها بصلاب کشید و یا به جوخه اعدام سپرد. سازمان ما و حزب توده ایران، به یاری پرسنل انقلابی ارتش، با کشف کودتای نوزده، جلوه دیگری از سلامیت اصولی این دوگردان رزمده طبقتکارگر، مبتنی بر دفاع پیگیر از انقلاب را در معرض دید همگان، قرار دادند. سازمان ما پیش از ۴۰ روز قبل از اعلام کشف توطئه، بطور مشخص نسبت به بروز يك دسیسه آمریکایی گسترده، به خلق انقلابی ایران، هشدار داده بود (کوار شماره ۶۱ - ۱۴ خرداد ۱۳۵۹). توطئهگران بعد از دستگیری اعلام کردند که خط براندازی را "با این هدف شروع کردیم که فعالیتها را علیه کمونیستها، انجام بدیم" (اعترافات نادر وحدتی پور، یکی از رهبران کودتا - انقلاب اسلامی ۲۶ تیر ۵۹). دقیقاً ۲ سال بعد گروه دیگری از بقیه در صفحه ۲.

"کار" و "نامه مردم" در جشن ناستانی حزب کمونیست آلمان در صفحه ۵

پیام تبریک کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا

به رفیق الساندرو ناتا رفیق ارجمند! باخشنودی فراوان از گزینش شما به سمت دبیرکل حزب کمونیست ایتالیا مطلع شدیم. صمیمانه ترین تبریکات ما را به مناسبت این انتخاب بپذیرید. بهترین آرزوهای ما اینست که حزب

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دبیر اول - فرخ نگهدار ۳۰ ژوئن ۱۹۸۴

در حاشیه سخنان شیخ محمد یزدی در مجلس يك پرسش از سرعجز و يك پاسخ صریح

در جلسه سوم تیرماه "مجلس شورای اسلامی" شیخ محمد یزدی دبیر "جامعه مدرسین حوزه علمیه قم" - که گردانندگان صحنه سازی "انتخابات" دوره دوم بهر زحمتی بود، نام او را از صند و ق بیرون کشیدند و بعد هم با سلام و صلوات وی را به کرسی نیابت رئیس مجلس نشان دادند. به پشت تریبون رفت و برنامه کار مجلس دوم را صریح تراز همه دوستان

"شرمگین" اش تشریح کرد. وی در مدخل بحث خود درباره این موضوع گفت: "در دوره گذشته به نقطه ای رسیدیم بودیم که حتی یکی از نمایندگان در مجلس صراحتاً اعلام کرد که بالاخره کدام يك از دو طرز فکر مملکت باید حاکم شود؟" (اطلاعات ۴ تیر) یزدی در نطق خود به این سؤال پاسخ داد. بقیه در صفحه ۳

گزارشی از اوین، ۲

آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی

بحران مسکن و تعاونی های مسکن کارگری

توسعه مسکن در خیابان نظام آباد خانه ای د و خوابه اجازه کنم. از بابت آن دو بیست هزار تومان پیش پرداختم و ماهی پنج هزار تومان هم کرایه می دهیم. در پناه امنیت جمهوری اسلامی دزدان متواری به میهن ما بازمی گردند و اموال و املاک و زمینهای مصادره شده را پس می گیرند. بقیه در صفحه ۴

تهیه سربانه برای مردم میهن ما هر روز مشکل تراز پیش می شود. در همه شهرهای ایران و بویژه تهران بخش مهمی از درآمد مردم صرف پرداخت اجاره بهایی شود. نرخ اجاره منازل همچنان بنحو سرسام آوری روبه افزایش است. بعنوان نمونه در یکی از نامه های که برای ما فرستاده شده است چنین می خوانیم: "۰۰۰ پسران ما نهاد و تدریکی بالاخره

افاضات وزیر کار در کنفرانس بین المللی کار و رسوایی بیشتر حکومت کارگروستیز

کلازاتکین مبارز خستگی ناپذیر راه آرمان زحمتکشان و رهایی زنان در صفحه ۵

نبرد خونین کارگران نفت در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ در صفحه ۲

گشت "سیندرلا": نسخه ای برابر با اصل در صفحه ۳

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

بقیه از صفحه اول

روند مسخ انقلاب : تحقیق اهداف کودتاگران

توطئه گران سلطنت طلب در جریان محاکمه خود د
اعتراض کردند که " آنچه باعث ناراحتی ما می شد،
راحت گردیدن توده ایها در جامعه بسود " .
(کیهان - ۱۰ تیر ۶۱) طبق برنامه آنها
" چند ساعت قبل از اجرای کودتا ،
می با یست اعضای حزب توده ، دستگیرشوند ،
تا فرصت مناسب از آنها گرفته شود و نتوانند
دست به کاری علیه کودتاگران بزنند . " (همانجا)
باغلبه کامل دیدگاههای ارتجاعی پسر
حاکمیت ، خود رژیم این خواست آمریکا و ایادی
سلطنت طلب آن را برآورده ساخت . به دنبال
یورش به حزب توده ایران و دستگیری پرسنل
نظامی عضو این حزب ، بسیاری از آنها بسدان
جهت مورد بیشتین شکنجه و آزار قرار گرفتند که
در زمینه کشف توطئه هایی نظیر نوژه و در جهت
گسترش و تعمیق تأثیرات انقلاب در ارتش ، تلاش
ورزیده بودند . بر مبنای گزارش موفقی که مسا
آن را بعنوان " اینجابند ۲۸۰ است ۰۰۰ " .
در شماره ۱۱ نشریه خود منعکس کردیم " یکی
از جرایم نظامیان توده ای ، کشف کودتای
نوژه بود . هر کسی را که به نوعی در کشف ایسن
کودتا دخالت داشت - چه حزبی و چه -
غیر حزبی - دستگیر کرده و تحت عنوان عضو یست
در سازمان مخفی نظامی ، به صلابه کشیدند . "
دستگیری ، شکنجه و محاکمه این پرسنل متعهد
به انقلاب جزئی از روند عمومی سرکوب انقلابیون
و به محاکمه کشیدن انقلاب بود .

حاکمیت تنها از طریق حمله به گردانهای
رزمند و کمونیست در ایران و پیگرد و کشتار همه
نیروهای مترقی و مردمی و در مجموع پایمال کردن
اغلب دستاوردهای انقلاب ، آمریکا و ایسادی
توطئه گرانرا خوشحال ساخته است . رژیم در
موارد مختلفی ، مستقیماً دست دشمنان خودنی انقلاب
را فشرده و مواضع از دست رفته آنان را ، احیاء
کرده است . به عنوان نمونه اگر صرفاً توجه خود
را معطوف به توطئه گران درون ارتش سازیم ،
می توانیم نمونه های فراوانی ارایه دهیم که
چگونه رژیم بر مبنای سیاست ارتجاعی خود مبنی
بر تداوم جنگ خانمان برانداز فعلی و بریستر
این سیاست ، تقویت هرچه بیشتر ماشین جنگی ،
بسیاری از افسران سلطنت طلب پاکسازی شده و
توطئه گران شناخته شده را به سرکارهای خود
باز گردانده و به آنها ، مسئولیتهای مهمی سپرده
است . از همان آغاز جنگ ، مشخص بود که
مرتجعین خواهند کوشید تأثیرات انقلاب را از
درون ارتش بزدایند و به وسوسه ضد انقلابیون
تسلیم شوند . اطلاعاتی های شماره ۶۶ و ۸۰ استاد
ارتش در مهرماه سال ۵۹ و در همان هنگام اقدامات
ری شهری جنایتکار برای آزاد کردن مشتکی از
افسران عالی رتبه رژیم شاه از زندان ، در همین
راستا بود .

نبرد خونین کارگران نفت در ۲۳ تیر ۱۳۲۵

۲۳ تیرماه ، یکی از درخشان ترین فصول
تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ماست
دوروز خونین ۲۳ تیر سالهای ۱۳۲۵ -
۱۳۲۸ - در تاریخ معاصر کشورمان ، جلوه ایست
غرور انگیز از اراده استوار طبقه کارگر قهرمان ایران
برای کندن ریشه های امپریالیسم . شهادت
د همبا کارگرد لیر نفت در جریان اعتصاب بخونین
۸۰ هزار نفری ۲۳ تیر ۱۳۲۵ ، و صد هـ
تودهای در نظاهرات ۲۲ تیر ۱۳۲۱ ، نشان داد
که طبقه کارگر ایران ، بمثابه هوشیارترین
سرسخت ترین و فداکارترین مبارز ضد امپریالیسم
و نواستعمار ، هسته مرکزی نیروهای محرک جنبش
انقلابی مردم ایران را تشکیل می دهد .
اعتصاب بخونین کارگران نفت در ۲۳ تیر
۱۳۲۵ ، در شرایطی انجام گرفت که شرکت نفت
انگلیس ، در نتیجه سرسپردگی رژیم پهلوی ،
خود دولت بزرگی در درون دولت ایران بوجود
آورده بود و منابع نفت را افسارگسیخته غارت
می کرد و هزاران کارگر را در شرایط استعماری و ،
وحشیانه به کار می گرفت . بصوا از ات سلطه
وحشیانه استعمار انگلیس ، مبارزات طبقه کارگر
ایران بر ضد امپریالیسم جریان داشت . در آن
دوره ، طبقه کارگر ایران با تکیه " در شورای
متحد و مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران " ، هر
روز ضربه مستم تری بر فارتگران نفت می زد .
اعتصاب ۲۳ تیر ، ادامه اعتصاب موقییت
امیز کارگران نفت آغا جاری در اردیبهشت ماه
۱۳۲۵ بود . کارگران نفت آغا جاری در آن تاریخ
بمنظور دستیابی به مطالبات عادلانه اقتصادی
خود ، دست به اعتصاب زدند . اعتصاب کارگران
و یا قناری نمایندگان آنها ، موجب پیروزی
اعتصاب شد . حداقل دستمزد و اشل بالاتر
حقوقی تعیین شد . تعطیل هفتگی روز جمعه
با استفاده از حقوق به رسمیت شناخته شد و
بالاخره اعتصاب با قبولاندن خواسته های
کارگران با موفقیت به پایان رسید . اما شرکت

اکنون وضع به گونه ای درآمد ، است که
در هفته گذشته ، نشریه المستقبل ، چاپ فرانسه ،
می نویسد رژیم ایران هیات نام انتخابی
را به خارج از کشور فرستاده است که هدف آن
جذب نظامیان فراری و فادار به رژیم پیشین
است . این هیات انتخابی نام دارد به نظامیان
مذکور . تضمینات کافی برای بازگشت به کشور و
قول تامین همه گونه امکانات رفاهی را بدهد .
این حقیقت که اکنون بسیاری از خواسته های
کودتاچیان نوژه و جریانات مشابه آن ، برآورد
شده و افشاکنندگان توطئه های آنها
شکند گاه های رژیم ، گرفتارگشته اند ، یکی دیگر
از نمود های روند تلخی است که مسئول اصلی
آن گردانندگان درجه اول حاکمیت اند . ماهیت
این روند ، مسخ انقلاب و ضربه از درون است .
مسخ انقلاب ، پروسه جامعی است که همه

نفت انگلیس در عمل به تعهدات خود پایبند
نبوده و مفاد موافقت نامه را اجرا نکرد .
چو سیاسی در منطقه خوزستان در آن دوره ،
طوری بود که ارتجاعی حاکمیت مستحکم داشت و
انگلیسی ها و عمال آنها حاضر نبودند حتی
یک گام از مواضع استعماری خود عقب تر نهند .
مصباح فاطمی ، استنادار وقت ، که دست نشاند
آنها و دشمن کارگران بود ، با کمک شیوخ مرتجع
محلی و چمفاداران آن دوره ، یک اتحادیه
ساختگی کارگری سرهم بندی کرده بود . آنها به
انواع تحریکات دست می زدند . شورای متحده
مرکزی ، که چند سالی بود در سراسر ایران فعالیت
گسترده و علنی داشت ، مجبور بود در منطقه
خوزستان غیر علنی فعالیت کند . در چنین
جوی ، در شرایطی که در تهران قانون کار
تصویب شده بود ، شرکت نفت کماکان از اجرای
آن و توافق نامه قبلی سر باز می زد . اعتصاب
سراسری کارگران نفت در ۲۳ تیرماه در تمام مناطق
نفت خیز خوزستان آغاز شد . د و هزار کارگر
نظم شهر با دادن رابه عهده گرفتند . آنها عزل
مصباح فاطمی استنادار مزدور ، انحلال دستگاه
سیاسی کمپانی نفت و اجابت مطالبات حقوقی
اقتصادی خود را خواستار بودند . کمپانی
فارتگر نفت که قبلاً " اتحادیه عشایر " و
" غرب سعادت " را بوجود آورده بود ، به این
د و سازمان سرکوب دستور مله داد . همرا
با این د و سازمان ، پلیس و ژاندارمری هم
کارگران یورش بردند . ۴۷ کارگر رزمند و نفت در
این حوادث شهید و ۱۷۰ نفر مجروح شدند ،
اما مبارزه ادامه یافت و کارگران در برتوان
بخشی از مطالبات اساسی خود دست یافتند .
پیروزیهای بدست آمده در این اعتصاب ، نتیجه
مبارزه ، مقاومت و همبستگی انقلابیون بود . سازمان
دهنده و رهبر این اعتصاب " شورای متحده
مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران " بود .

ارکان حیات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی جامعه
ما را در بر گرفته است . پیگرد و کشتار نیروهای
انقلابی ، تشدید جو فشار و اختناق ، سرکوب
زحمتکشان ، حفظ و احیای مواضع کلان سرمایه
داران و بزرگ مالکان و هزار گونه زد و بند
امپریالیسم و انحصارات بین المللی از جانب هیات
حاکمه ای که و قیحانه مدعی است سکان انقلاب
را در دست دارد ، از جمله مظاهر اصلی روند
مسخ انقلابند . و هر توطئه های آمریکا
کودتایی نیز چیزی جز تسلط حاکمیت زور و سرمایه
بر جامعه ، نبوده و نیستند . لذا با قاطعیت
می توان گفت روند مسخ انقلاب ، در همان
جهاتی عمل می کند و معطوف به جو هر همان
هد فهای است که روند براندازی انقلاب ، بسا
توسل به توطئه هایی همچون طبن و نوژه ،
در پیش رو قرار داده بسود .

گشت "سیندرلا": نسخه‌ای برابر با اصل

یکی از اقدامات و برانگیز حکام ۱۰۰ ر عرصه امنیت اجتماعی و قضایی، پدیده گشت‌های خیابانی است. گشت‌های خیابانی که عمدتاً از تیم‌های او باش و لومپن متشکل هستند، علاوه بر اجرای وظایف اصلی خود، یعنی شکار و نابودی جسمی انقلابیون، نقش موثری در اشاعه فساد اجتماعی دارند. بطوریکه تاکنون بارها فوجیه‌ترین جرایم و جنایات را بی‌هیچ پروایی نه تنها در خصوص انقلابیون و میهن پرستان، بلکه در مورد مردم عادی نیز انجام داده‌اند.

به موازات گسترش ابعاد ترور و اختناق، گشت‌های خیابانی بمثابه ستون فقرات حاکمیت ترون و سطایی ج.ا.ی. روز بروز دامنه فعالیت خود را گسترش می‌دهند. آخرین نمونه آن، برافشاندن گشت "امر بصحر و فونسی از منکر" در خیابان‌های تهران می‌باشد، که بمنظور تحمیل عقب‌مانده‌ترین فرهنگ و اندیشه قشری به جامعه فعالیت خود را آغاز کرده است.

امنیت اجتماعی و قضایی مردم، نه تنها از جانب گشت‌های رسمی سرک و بگریه‌خشن‌ترین شیوه‌ها پایمال می‌گردد، بلکه در این بلبشوی خودسری و بی‌قانونی، گشت‌هایی نظیر "سیندرلا" نیز، اعمال جنایتکارانه گشت‌های بانام و نشان را تکمیل می‌کنند. در کیهان ۲۷ تیر می‌خوانیم: "آنان با استفاده از عنوان جعلی مامورین نهاد‌های انقلابی مرتکب این خلائف‌ها شده و... گشت‌خیابانی تشکیل داده و نام گشت را سیندرلا گذاشته بودند." "گشت سیندرلا" که به مدت ۲ سال، با حمل اسلحه و بی‌سیم، اعمال و رفتار گشت‌های سرک و بگریه ۱۰۰ را، با مهارت قابل توجه جسمی تقلید کرده است، اخیراً برحسب تصادف، و به "کمک تیپ چراغ برق" مورفته است. با فرض اینکه گشت "سیندرلا" واقعا "قلابی" بوده است، اقدامات و شیوه برخورد اعضای این گشت با کسانی که مورد سرقت، اخاذی، تجاوز و قتل قرار گرفته‌اند، آشکارا نشان می‌دهد که اعضای آن، لااقل مدت‌ها در جریان اقدامات و تجاوز گشت‌های "غیرقلابی" بوده‌اند. مثلاً مورد قتل شخصی بنام بهروز نیکخو و نحوه اجسرای این جنایت، دقیقاً همان شیوه مرسوم است که صد‌ها بار از جانب گشت‌های "غیرقلابی" بکار بسته شده است. روزنامه کیهان ۷ تیسر، جریان قتل این شخص را چنین می‌نویسد: "وی را در تاریخ ۲/۳/۶۲ بعنوان یک اتهام بی‌مورد دستگیر می‌کنند، در جریان ربودن نیکخو چشمها و دستهای او را بسته و سپس تحویل اتومبیلی که رانندگی انرا علیرضا (سردسته باند) به عهد داشته می‌دهند. سپس او را پشت‌چاه‌های قنات واقع در جاده ساوه برده و پس از خفه کردن به داخل چاه می‌اندازند."

جریان این قتل بعد از کشف تصادفی

در حاشیه سخنان شیخ محمد یزدی در مجلس یک پرسش از سرعجز و یک پاسخ صریح

می‌گویند، "حق ندارد سرمایه دار مرکز تولیدی داشته باشد ۰۰۰" نایب رئیس مجلس بر استی نمی‌تواند ادعا کند قدرت حاکمه در "بستن دهان‌ها" و "شکستن قلم‌ها" می‌که با نظرسر ایشان موافق نیستند به "وظایف خود" عمل نکرده است!

نماینده پیشین، در نطق خود با اظهار داشته بود: "دربروز به داد کستری رفته بودم آن بیچاره ای که آنجا کار می‌کرد، می‌گفت: "اقا با حقوق سه هزار و هفتصد تومان چگونه زندگی کنم؟" و حق داشت، می‌گفت: "بچه من گرسنه است، آقا!" شیخ محمد یزدی در پاسخ به این سخن، و در حقیقت در پاسخ به هزاران نفری که می‌گویند "بچه من گرسنه است، آقا!" بایی تفاوتی گفت: "راجع به کارمندان که در پیام امام هم به آن اشاره شده، من نمی‌دانم راه حل مسأله چیست." و بلافاصله افزود: "تنها چیزی که می‌داند این است: اضافه کردن حقوق راه حل درستی نیست."

"آخرین دفاع" نماینده مجلس در وه اول، چنین نتیجه‌گیری کرده بود که "بعد از پنجسال ما مانده‌ایم. حالا دست می‌زنیم، به (بیرای؟) همه کسانی که آن قدرت و شهادت را دارند که بیایند و به این مردم بگویند که چه باید بکنیم؟ آقای یزدی برای اینکه هم حامیان بازارش، هم همفکران حوزه ایش و هم درماندگانی نظیر آن نمایند مجلس برایش "دست بزنند"، "قدرت و شهادت" نشان داد و با ارائه برنامه کاری که جناح او که جناح مسلط است برای مجلس در نظر گرفته، از موضع قدرت خواهان تصویب آن در مجلس و اجرای آن توسط دولت شد. و برای اینکه اطمینان دهد افراد "لایق و کاردان" را نیز برای اجرای این برنامه گاندید کرده و در نظر گرفته، به دولت تکم کرده درهای کابینه را باز کند و "قبول کند که در این مملکت لیاقت و کفایت فراوان است و بپذیرد که افراد لایق فراوانند و این دایره را قدری گسترده تر کند و انشاالله مسأله تکمیل کابینه حل شود." و بدیهی است که مجلس دوم نه تنها به افراد "لایق و کاردان" مورد نظر آقای یزدی رای خواهد داد، بلکه برای آنها حتی "دست" شرعی هم خواهد زد!

قتل را، براحتی انجام می‌دهد و در تمام این موارد که در روزنامه کیهان آمده است، اقدامات آنها، با اقدامات گشت‌های "غیرقلابی" تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارد. و از اینروست که در ذهن قربانیان آنها، بهیچوجه تصور "قلابی" بودن گشت، بوجود نمی‌آید. اقدامات گشت "سیندرلا" و گشت‌هایی نظیر آن، نشانگر عمیق فاجعه ایست که در عرصه امنیت اجتماعی و قضایی در کشورمان وجود دارد.

نماینده ای که پرسش مذکور را در مجلس سه خرداد مجلس اول مطرح نمود، از جمله افرادی بود که انتصاب کنندگان نمایندگان مجلس، دیگران را نسبت به او "اصحح" تشخیص دادند و بعنوان آخرین فرصت، "لطف" یزدی در حق وی کرده و گذاشتند تا "آخرین دفاع" خود را از پشت تریبون مجلس ایراد کند. او با لحنی که ناتوانی در آن موج می‌زد، با اشاره به "دو فکرمشاد" در عرصه اقتصادی-اجتماعی، گفت: "ما بعد از پنجسال هنوز نتوانسته‌ایم به این مردم بگویم که با کدامیک از این معیارها می‌خواهیم زندگی کنیم. واقعا باید خان‌ها بروند، فاسدان بروند، دزدان بروند، غارتگران بروند. اگر می‌خواهند برگردند، بنظر من خیلی صادقانه می‌رسد که ما به این مردم بگوییم ۰۰۰" (اطلاعات خرداد) شیخ محمد یزدی که گویسی به این توصیه "اخلاق" نماینده سابق عمل می‌کرد، "خیلی صادقانه و صریح جواب او را داده و گفت: "وجود و بازار مملکت، یک بازار آزاد و یک بازار دولتی چیزی نیست که صحیح باشد و بتواند و امبیا ورد. این بیماری است که باید هرچه زودتر اصلاح و درمان شود." البته پرواضح است که از نظر یزدی کدام "بارار" باید عرصه را برای دیگری خالی کند!

نماینده سابق خطاب به سران جمهوری اسلامی گفته بود: "اگر شما مالکیت خصوصی را در حد و مرز ناشخصی می‌شناسید و قبول دارید، بیایید این را اعلام کنید، قانون کنید، از مجلس بگذرانید و به مردم ابلاغ کنید و دهان کسی را که می‌گوید، حق ندارد سرمایه دار مرکز تولیدی داشته باشد، ببندید و اگر قبول دارید که سیستم مدیریت دولتی کارایی دارد و بنفع مستضعفین است، اینها را حاکم کنید." نایب رئیس مجلس در پاسخ گفت: "دولت با دخالت در مسایل جزئی هر روز برای خود مشکلاتی بوجود می‌آورد و بطور کلی این دولت سالاری درست نیست و دولت باید طبق وظایف خود عمل کند." و البته از نظر آقای یزدی، همانطور که نماینده سابق گفته بود، چیزی نیست جز "بستن دهان" کسی که

گشت "سیندرلا" افشامی شود. طبیعی است در کشوری که اینگونه ریوده شده‌ها و بسته قتل رسیدنها، که روزی درها با ریوسیله همین گشت‌های غیرقلابی، صورت می‌پذیرد، مردم و خانواده قربانیان را از پیگیری مسأله ناامید می‌گرداند. چراکه مردم خوب می‌دانند، تمامی اینها، نتیجه حاکمیت سیستم جنایتکار و آدمخوار دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است. گشت‌قلابی "سیندرلا" اقدامات دیگری، نظیر دستگیری، بازجویی، اخاذی، تجاوز و

بحران مسکن و تعاونی‌های مسکن کارگری

بقیه از صفحه اول

یک گزارش حتی ضد انقلابی سرشناسی مانند فرمانفرمایان نیز از حریم امن جمهوری اسلامی برخوردار شده است. این میلیارد رمتواری از طریق اقوام خود اقدام به اخذ اجاره املاک سابق خود نموده است.

کرتش حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر کلان سرمایه داران و صاحبان مستقلات بزرگ، تحکیم مالکیت زمین خواران بر زمینهای موات، اختصاص حجم بزرگی از مصالح ساختمانی برای جیبه های جنگ و... باعث شده است تا مشکل مسکن ابعاد بیسابقه ای و غیرقابل تحمیلی پیدا کنند.

فشاری که از این طریق بر کارگران وارد می شود از همه اقشار و طبقات دیگر بیشتر است. از مدتها قبل کارگران کوشیدند با ایجاد تعاونی های مسکن کارگری، راهی برای غلبه بر این مشکلات بیابند. با اینکه حاکمیت جمهوری اسلامی در ادامه سیاست تشکیک ستیز خود از هیچ اقدامی برای تضعیف و حذف این تعاونی ها کوشش نکرد، ولی حمایت کارگران از این تشکل باعث شد تا تعداد بسیاری از این تعاونی ها تاکنون باقی بمانند و به کوشش های خود ادامه دهند. از عملکرد آنان و واکنش مسئولین جمهوری اسلامی در برابر آن، همواره گزارشات بسیاری به دست ما می رسد. ذیلا نمونه هایی از آن را درج می کنیم.

تعاونی های مسکن کارگری و خانه کارگر

کارگران نه فقط با ایجاد تعاونی های مسکن مبارزه خود را در راه تامین مسکن هماهنگ کرده اند، بلکه موفق شده اند از طریق متحد ساختن تعداد بسیاری از تعاونی های مسکن کارگری، کوشش های کارگران و کارکنان واحد های تولیدی مختلف را نیز هماهنگ نمایند. همواره کوشش های حاکمیت برای متفرق ساختن آنان، تاکنون با شکست مواجه شده است. ۴۶ تعاونی مسکن کارگری که متحداً عمل می کنند، مدتها قبل موفق شدند از ارگانهای مربوطه دولتی، برای فاز اول عملیات ساختمانی، مقداری زمین اخذ نمایند. اما هنوز نتوانسته اند کار ساختن را آغاز کنند. غیر از مشکلات مالی، از سوی ارگانهای دولتی، موانع حقوقی متعددی تراشیده می شود. علاوه بر آن بخشی از زمینهای کارگران را که در شهرک غرب واقع است، شهرداری با حمایت و تشویق وزیر کشور، ناطق نوری، به کسان دیگری داده است. بر روی زمینهای کارگران، دیگران بطور غیرمجاز ساختمان ساخته اند. اما همه اینها باعث نشد تا کارگران از حقوق خود دست بکشند. مبارزه و درگیری کارگران با ارگانهای مربوطه دولتی، از قبیل سازمان مسکن و زمین شهری، همچنان با شدت ادامه یافته است. تشکلات مسئولین خانه کارگر،

که در نقش میانجی وارد شده اند، نه فقط ره به جایی نبرده است، بلکه باعث رودرویی تعاونی های مسکن کارگری با مسئولین خانه کارگری نیز شده است. خانه کارگری کوششها مانع اقدام یکپارچه و موثر کارگران گردید. در اواخر سال گذشته که کارگران برای کسب حقوق خود تصمیم به تحصن گرفته بودند، یکی از نمایندگان

صنایع هواپیمایی، تصمیم می گیرند بی توجه به مخالفت دولت راسا در زمین های شهرک غرب آغاز به ساختمان نمایند. ولی در پی مباحثات با نمایندگان دیگر تعاونی ها، قرار می شود از اینگونه اقدامات منفرد اجتناب شود و هرگاه مذاکرات با دولت به بن بست رسید تمامی ۴۶ تعاونی مسکن کارگری متحداً



ره آورد جمهوری اسلامی: چادر سیاه یکی از "کوخنشینان" در زیر آرم "بنیاد مسکن"

روی زمینهای فوق کار ساختن سازی را آغاز کنند.

پایداری کارگران در عمل مشترک، مداومت در مطالبه حقوق و اقدامات سنجیده و هشیارانه چنان قدرتی به تعاونی های مسکن کارگری داده است که کار حکومت را در سرکوب این تشکل مشکل ساخته است. همه اغلال گریه های خانه کارگر هم ره به جایی نبرده است. خانه کارگر علاوه بر اینکه با غیرممکن و انود کردن حصول خواسته کارگران، کوشیده است تا آنان را دل سرد نماید، اخیراً موزیانه تبلیغ می کند که گویا به صلاح کارگران مسلمان نیست در شهرک غرب، در کنار سرمایه داران، خانه بسازند و دولت این زمینهای گران قیمت را به کارگران نخواهد داد. از اینرو به سود کارگران است تا سپرده های خود را پس گرفته و هر تعاونی راسا از طریق دیگر به دنبال حل مساله مسکن برود.

مالکیت زمین خواران حلالتر از شیر مادر

زمین خواران که در پناه شورای نگهبان و دیگر ارگانها و مقامات جمهوری اسلامی، مالکیتشان بر زمینهای موات محترم! شناخته شده است، با جدیت به تفکیک و فروش این زمینها به قیمت های سرسام آور پرداخته اند. در حالیکه دولت حاضر به برداشتن حتی یک گام برای تخفیف بحران مسکن نیست، مردم ناچار بقیه در صفحه ۵

مجلس و عضو رهبری خانه کارگر، با وعده و وعید موفق شد از تحصن جلوگیری کند. اما در سال جاری وقتی که کارگران اجرای مواعید را طلب می کنند، ایشان به کلی از خود سلب مسئولیت می کنند و به پیروی از سیاست حاکم بر خانه کارگر، می کوشد با تضعیف روحیه کارگران، انجام خواسته هایشان را غیرممکن و انود سازد. در نیمه دوم ماه گذشته نمایندگان تعاونی های ۴۶ گانه تصمیم می گیرند، تا محل نهایی مساله بر روی زمینهای شهرک غرب متحصن شوند. اگرچه خانه کارگر یکبار دیگر موفق می شود از این اقدام جلوگیری نماید، اما دزیری آن نمایندگان کارگران در محل خانه کارگر مجتمع می شوند و ضمن تاکید مجدد بر خواسته هایشان به راهپیمایی دسته جمعی در خیابانهای تهران می پردازند و سپس به محل استقرار هیات سه نفره مسئول مساله مسکن بروند. به نگهبانان محل دستسور جلوگیری از ورود کارگران و متفرق ساختن آنان داده می شود. ولی کارگران علیر تمام معانعت و مقاومت نگهبانان وارد ساختمان می شوند. آنهایی توجه به مرعظه هسا و خطاب به های اعضای هیات، در باره جنگ و امثال آن، مسایل خود را مطرح کرده و موعظه می خواهند، تا اول تیرماه، موانع آغاز کار ساختمان برطرف شود.

پس از اینکه آشکار می شود مقامات، به وعده های پادروها، قصد اتلاف وقت دارند، تعدادی از تعاونیها، از قبیل تعاونی مسکن

“کار” و “نامه مردم” در جشن قابستانی حزب کمونیست آلمان

از ۲۲ تا ۲۴ ماه ژوئن، جشن قابستانی حزب کمونیست آلمان عربی در شهر پرتال، بسا شرکت احزاب و سازمانهای ترقیخواه از کشورهای مختلف جهان برگزار شد.

رفقای فدایی و توده ای، با شرکت فعال خود در این جشن، ضمن برپایی غرفه مشترکی به نام “کار” و “نامه مردم” و با سخننشریات آلمانی و فارسی، و کار تبلیغی و توضیحی، چهره دردمناشانه حکام شکنجه گر ۱۰۰ را افشا نمودند.

شرکت کنندگان در جشن، ضمن ابراز همبستگی شورانگیز با تمام نیروهای ضد امپریالیست و میهن پرست ایران، تنفیرو انزجار عمیق خود را از جنایات قرون وسطایی حکام ۱۰۰ در مورد زندانیان در زندانها اظهار داشتند.

رفیق هربرت میس، صدر حزب کمونیست آلمان، در غرفه مشترک حضور یافت. وی ضمن تاکید مجدد بر همبستگی برادرانه حزب کمونیست آلمان، با تمام نیروهای ترقیخواه ایران کسارت پستال اعتراض به شکنجه ها و اعدامهای وحشیانه در ایران را اضا نمود. در این جشن هزاران نفر کارت پستال “کمیته همبستگی با ایران” را که امر دفاع از زندانیان سیاسی را عهده دار است، اضا نموده و به سفارت جمهوری اسلامی در برن ارسال داشتند.

کلارازتکین مبارز خستگی ناپذیر راه آرمان زحمتکشان و رهایی زنان

هزارها، میلیونها زن همین گفته ها را با او می گویند کلارا همانند همه این زن ها در آرامش و رفاه پرورش نیافته و ساخته نشده است، بلکه در مبارزه با فقر و استثمار پرورش یافته است.

کلارا در سراسر زندگی پرتلاش خود در راه متشکل کردن زنان جهان برای مبارزه مشترک آنها، گام زد و، در نتیجه تلاشهای وی اولین کنفرانس بین المللی زنان در سال ۱۹۰۷ برپا شد.

در سال ۱۹۱۰ میلادی پیشقدمی کلارا زتکین مبنی بر اعلام ۸ مارس به عنوان روز بین المللی زنان “در کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست تصویب گردید.

کلارا در سال ۱۹۱۲ گفت:

“۰۰۰ ما از نکتت دشوار زندگی در جامعه سرمایه داری گذشته ایم و در این مکتب است که چنگا و ر شده ایم و به همین دلیل است که ما می توانیم با مبارزاتی که در پیش داریم، پرو شویم و اگر هم لازم باشد برای آزادی به خاک بخلتیم.”

وی همچنین گفته است: “ز ن زحمتکش دست در دست سرد هم طبقه اش علیه نظام سرمایه داری مبارزه می کند.”

اکنون بعد از گذشت سالها، چنپیش ده موکراتیک زنان پرست حرکت عمومی بشریست بشرو مو فقیتهای شغگیری در راه رهایی زحمتکشان از سلطه سرمایه داری و امپریالیسم و کسب حقوق اجتماعی به دست آورده است و همچنان گسترده و پیگیریه اشکال گوناگون به مبارزات خود ادامه می دهد.

ه ژوئن (۱۵ خرداد) مصادف با سالروز تولد کلارازتکین، زنی انقلابی و انسانی تشنه آزادی بشریت است که تمام زندگی خود را در راه آرمان زحمتکشان و رهایی زنان سپری کرد.

کلارا در ۱۸۵۷ در آلمان به دنیا آمد، پدر وی معلم بود و باروشن بینی و آزادمنشی خاصی فرزندان خویش را تربیت می کرد.

فرانسه انقلابی آن زمان که کمون پاریس را به وجود آورد، او را به سوی زندگی زحمتکشان و مبارزه در راه اهداف انقلابی و انسانی آنها کشاند.

کلارا زتکین در سالهایی با مبارزه آشنا شده که پرو لتاریا راه خود را در مبارزه با سرمایه داری پیدا کرده بود.

وی در جلسات انترناسیونال دوم شرکت می کرد و همواره در سخنرانی های خود، زنان زحمتکش را به مبارزه طبقاتی پایه پای مردان و علیه استثمار سرمایه داری فرامی خواند.

لویی آراگون نویسنده و شاعر بنام فرانسوی در کتاب “ناقوس های بال” پس از شنیدن سخنرانی کلارا در سال ۱۹۱۲ در شهر “بال” درباره او نوشت: “او زن فردا است اما بهتر است که بگویم و جرات این کار را داشته باشیم، که او زن امروز است. آن موجود برابر، آن کسی که مساله اجتماعی زن برای او دیگر جل شده است. مساله اجتماعی زن برای او بطور جداگانه و متفاوت با مساله اجتماعی مرد مطرح نیست. او یک موجود استثنایی نیست، هر آنچه می گوید ارزش دارد، زیرا

بحران مسکن و ...

بقیه از صفحه ۴

می شوند به شرایط زمین خواران گردن نهند. برخی از تعاونی های مسکن هم پس از اینکسه دریافتند اما مزاده دولت جمهوری اسلامی معجزی نخواهد کرد، به زمین خواران روی آوردند. مقامات دولتی نیز برای گریز از فشارهای کارگران، آنان را به معامله با بخش خصوصی ترغیب می کنند. بخش خصوصی هم از آنجاکه در معامله با تعاونی ها، زمینها را یکجا به فروش می رساند از این کار باخشنودی بسیار استقبال می کند.

یک شرکت خصوصی بنام “آرتا” در تماس با هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران شرکت نفت در تهران، پیشنهاد معامله بر سر یک قطعه ۲۶۰ هزارمتری را کرده است که به یک زمین خوار تعلق دارد، زمین خوار مزبور تقبل می کند که شخصا امور تفکیک، کسب اجازه ساختمان، تهیه خدمات شهرداری و ... را انجام دهد. بنابه تحقیق این شخص بند و بستی که

اعضای شورایی قضایی دارد و از طریق پرداخت رشوه، کارهای فوق را انجام می دهد.

کارگران با وجود نیاز مبرم به زمین، نسبت به این معامله بدبین هستند و برای بررسی امر درد و از دست دادن، روی همین زمینها، مجمع عمومی خود را برگزار می کنند.

نزدیک به ۵۰۰ کارگردار جلسه در میان بیابان، حاضر شده بودند. اگرچه سپاه پاسداران از این تجمع، به مانند هرگونه تجمع کارگران، به شدت هراسان شده و نیروهای خود را برای پراکنده کردن به محل می فرستند، ولی کارگران موفق می شوند جلسه را تا به آخر ادامه دهند. توصیه مشترک کارگران به نایندگان نشان این بود که با توجه به سؤ نیست سرمایه داران بزرگ و زمین خواران، با هشیاری کامل مذاکرات را دنبال کنند.

اختلافات در تعاونی ها باشیوه دمکراتیک باید حل شود

در شرایط کنونی مشکلات پیشبرد کار

تعاونی ها اندک نیست. سنگ اندازی های مقامات مسئول و تحریکات تفرقه افکنانه، بر زمینهای تجربگی ها، وجود عناصر فرصت طلب و ... گهگاه موثر واقع می شود. مشکلات تعاونی مسکن کارکنان وزارت دارایی، نمونه ای از آنست. این تعاونی در سال گذشته موفق شد کار عملیات ساختمانی مسکن کارکنان را آغاز نماید. انجام آن به یک شرکت مقاطعه کار واگذار گردید. سوء استفاده های مقاطعه کار و نیز تقسیم ناعادلانه زمین های تفکیکی میان واجدین شرایط، اختلافاتی را در میان کارکنان، و میا هیات مدیره و بازرسین تعاونی برانگیخت که هنوز ادامه دارد. با این گمان که از طریق مراجعه به مقامات بالا و ارگانهای دولتی می راهی برای حل اختلاف پیدا کرد، اقدامات صورت گرفت که طبعاً بی نتیجه ماند. اعضا تعاونی دریافتند، تنها و شایسته مرجع قانونی حل اختلاف، مجمع می باشد. از این رو قرار شده است اختلافات مجمع عمومی برگزار شود.

گزارشی از اوین، ۲ آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی

در اینجا برای این که مبادا به لحاظ انتشار بیرونی، اسرار ویژه انقلابیون اسیر و رد بهره برداری رژیم قرار نگیرد، از ذکر آنها و نیز طریقه ارتباط گیری زندانیان با یک دیگر و چند و چون تشکل های درون زندانها، خود داری می گم.

وضع غذا

در زندان اوین میزان غذا فوق العاده کم و کیفیت آن به گونه ای است که یک فرد را سه روز زنده نگه می دارد. آن هنگام که من در اوین گرفتار بودم، اکثر مواقع به زندانیان نان و خیار و یانان و خرما می دادند. به هر چهار نفر سر یک لوش کوچک می رسید. یکی از زندانیان در تعریف و تمجید از مسئولین اوین می گفت: "انها واقعا معجزه می کنند! غذا را جوری تقسیم می کنند که آن مقدار که می تواند یک نفر را زنده نگه دارد، به چهار نفر برسد!"

وقت گرفتن جیره می بایست چند تو هین و فحش رکیک نیز به عنوان "چاشنی" از پاسداران تحویل گرفت. معمول ترین تو هین، این بود که "بیا بید کوفت کنی و گردن کلفت شوید!" اگر "اتاقی" خلافی مرتکب می شد، می بایست با زدن دست دادن چند وعده "غذا" جزایش را پس دهد.

دستشویی و حمام

توالت رفتن در زندان اوین، یک مساله فوق العاده آزار دهنده است. هر کس در طول شبانه روز فقط ۳ بار حق استفاده از توالست را دارد. به "اتاقی" که مدتی در آن بسر می بردم و در آن جمعا ۹۵ نفر اسیر بودند، ۲۵ دقیقه وقت می دادند، تا به توالست و حمام برویم و اگر ظرفی داریم بشویم. تعداد توالستها بسیار کم بود و هر کس فقط یک دقیقه فرصت استفاده از توالست را داشت. بعد از ۲۵ دقیقه در اتاق رامی بستند و اگر کسی در بیرون می ماند، به وجه شدیدی، کتک می خورد. هیچ کس نبود که به خاطر توالست و حمام، چند بار کتک نخورده باشد. ناراحتی کلیه و مثانه و ابتلا به بواسیر، به خاطر این شیوه ای که زندانیان برای استفاده از دستشویی وضع کرده بودند، همه زندانیان را آزار می داد.

بهداشت

درخواست دارو و دکتر را وین گناهی است بالاتر از کفر اوین در حالی است که هیچ کس از ابتلا به بیماریهای مختلف در امان نیست. همه زندانیان از بیماریهای معده، کبد، چشم، دندان، مثانه و پوست در عذابند. این بیماریها مگال ضایعات مختلفی هستند که از شکنجه ناشی شده اند.

ناگفته نماند که در اوین یک بهداری وجود دارد که سرپرست آن دکتر شیخ الاسلام زاده، وزیر بهداری در رژیم سابق و "برادر شیخ" در رژیم فعلی است. کار اصلی این بهداری زنده نگه داشتن انقلابیون شکنجه دیده برای تحمل شکنجه های بیشتر است.

از میان پرسنل نیروی هوایی نیز، چند نفر در "اتاق" ما بسر می بردند که از خلال صحبتهايشا فهمیدم در جریان انقلاب نقش بسیار فعالی داشته اند.

در "اتاق" هیچ جای نفوذ هوا، وجود نداشت. پنجره ها بسته بودند و رفتن به طرف آنها اکیدا ممنوع بود. هر کس به طرف پنجره می رفت، به سختی مجازات می شد. کف اتاق دو سه تنگه موکت رنگ و رورفته افتاده بود که به دلیل ریختن خون و چرک از پاهای شکنجه دیده ها، بر روی آن، بوی تعفن می داد. شب که سرم را بر روی آن گذاشتم، به یکباره سوزش شدیدی در دماغ و گلویم احساس کردم. موکت، ابتلا به نوعی سرفه خشک را در میان همه "ساکنین اتاق" رواج داده بود.

به تدریج از طریق هم "اتاقی" ها و تجربیات شخصی خودم، با جنبه های مختلف "زندگی" در اوین آشنا شدم. برای آینده گزارش مفصل نشود، بدون رعایت ترتیب زمانی آشنایی با این جنبه ها، آنها را به اختصار بر روی کاغذ می آورم.

حرکتهای جمعی در بندها

مبادرت به حرکت های جمعی در اتاقها و سلولهای اوین، جرمی نابخشودنی است. بحث سیاسی، ورزش جمعی، جلسات آموزشی با هر مضمونی که می خواهد داشته باشد، صحبت های درگوشی، ارتباط گیری به شیوه های مختلف با زندانیان بند های دیگر، اکیدا ممنوع است. با این وجود زندانیان به تدریج آموخته اند که چگونه حرکت های جمعی را پیش ببرند، تا آنجایی که مقدور است با یکدیگر ارتباط بگیرند، اخبار و تجربیات لازم را انتقال دهند، چگونه به گذران زمان معنی بخشند و به چسان روحیه ها را بالا ببرند.

حرکتهای اعتراضی جمعی در اوین به شدت سرکوب می شود. سازمان دادن بسک چنین حرکتی برابر است با گرفتن حکم مرگ. با این وجود جنبش اعتراضی در اوین، به تدریج دارد شتاب می گیرد و از حرکت های ساده به حرکت های پیچیده و دامنه دار تحول می یابد. دیر نیست آن زمان که همپای گسترش جنبش خلق، در داخل زندانها نیز شاهد حرکت های اعتراضی جمعی، حتی بالاتر از آن سطحی که در زمان شاه معدوم وجود داشت، باشیم.

رژیم کوشش می کند بین زندانیان، تفرقه بیندازد و "آنتن" های خود را اینجا و آنجا به کار گیرد تا دقیقتر افراد را زیر نظر داشته باشد. زندانیان به تدریج شیوه خنثی کردن این قبیل اقدامات و تشبثات را آموخته اند که من

تا ساعتی بعد از صدای شلیک جوخه سه اعدام، در اتاق سکوت برقرار بود. به نظرم می رسید که هر کس دارد در ذهن خود، قامت برافراشته یا رانی را مجسم می سازد، که دقایقی پیش، بر خاک افتاده بودند. به چهره ها کس می نگریستی اندوه می دیدی و خشم انگشتهای از تارهای لرزیدند. اما گاه می دیدی که در کف دستها گره می خوردند و از نترستی عظیم، حکایت می کردند. لبها در زیر فشار موجی از اندوه، بی اراده در لرزش بودند، ولی گاه با فشرده شدن دندانها بر یکدیگر از کینه های شگرف سخن می گفتند...

بعد ها در "حسینی" از زبان لا جوردی جلاد شنیدم که بدان جهت اسیران اعدامی را در جوار بندها، تیرباران می کنند که وقت و نیروی کافی، برای انتقال آنها، به جای دیگری را ندارند. این حرف دروغ و قیاحانه ای بیش نیست. هدف جلادان از تیرباران در جوار بندها، این است که روحیه بقیه زندانیان را تضعیف کنند، عاقل از این که با این اقدام جنایتکارانه، تنها بر نفرتهای می افزایند و بزبان گلوله ها، پیام مقاومت و تاپای جان را، در تمام سلولهای اوین، طنین افکن می سازند. بی گمان، در سخن لا جوردی، گوشه هایی از حقیقت نیز هست. خلقت از مقاومت بازمی ایستد و لذا جلادان، بسیار پرمشغله اند! اوین با زهر پروتی دارد! ارتجاع از خون سیراب نمی شود.

وقتی که به تدریج سکوت ناشی از صدای شلیک یکباره جوخه اعدام، پایان یافت، من شروع به آشنایی با حال و وضع هم "اتاقی" هایم و تجربه "زندگی" در بند های اوین کردم.

خیلی زود با بقیه اخت شدم. پایبندی به آرمانهای مردمی و سرنوشت مشترک، خیل سی زود زندانیان را با هم صمیمی می سازد. در "اتاق" ما افراد مختلفی، با گرایشهای سیاسی گوناگون بسر می بردند. "جرم" اغلب آنها هواداری از سازمان مجاهدین بود. برخی هم بودند که به هیچ گروهی وابستگی نداشتند. کمیته چی ها حین شکار خیابانی، آنها را "شکوک" تشخیص داده و راهی اوین کرده بودند. کسانی هم بودند که حکم گروگان را داشتند. مثلا پیر مرد کردی، به جرم این که فرزندش پیشمرگ،

است، هم بند ما شده بود. تعداد کارگزاران دستگیر شده نیز چشمگیر بود. برخی از آنها به دلیل وابستگی به این یا آن جریان سیاسی و برخی دیگر به دلیل تعهدات طبقاتیشان که به صورت مقابله با کارفرما و یا سیاستهای ضد کارگری رژیم، بدون داشتن یک نمود سیاسی مشخص، جلو کرده بود، به زندان افتاده بودند.

ملاقات

داشتن ملاقات، اگرچه برای يك زندانی به منزله يك شادی زاید الوصف است، اما برای خانواده او بامشقت شدیدی همراه است، چه در رابطه با درد سری که برای او رود به او بین باید بکشند و چه به لحاظ زجری که با یادزدیدن عزیزان در بند خود، متحمل شوند.

اگر يك زندانی بعد از تعیین مسدود محکومیتش بتواند دو ماه يك بار ملاقاتی داشته باشد، باید خیلی احساس رضایت کند. بستاری از زندانیان نامدتهای مدید ملاقاتی ندارند. خانواده هایشان بارها به او بین سر می زنند، یا جواب رد می شنوند و یا اینکه اصولاً به آنها گفته نمی شود که اسیرشان در این زندان است. خیلی از زندانیان بعد از اسارت دیگر چشمشان به چهره عزیزانشان نمی افتد. يك شب برای خانواده شان نامه می نویسند و یا تلفن می زنند و بعد در برابر جوخه اعدام قرار می گیرند. زمان ملاقات حداکثر ۱۰ دقیقه است. تماس زندانی با افراد ملاقات کننده از طریق تلفن صورت می گیرد. صحبتها به شدت تحت کنترل است و رد و بدل کردن هرگونه ایما و اشاره، اشاره به وضع داخل زندان و زدن حرفهای "بودار" و کاله به زبانها و گویشهای محلی، اکیداً ممنوع است. شاید یکی از متاثرکننده ترین صحنه های جامعه ما در تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، صحنه ملاقات خانواده ها با عزیزانشان در زندانها سیاسی باشد و در زمینه این صحنه هیچ چیز جانگداز تر از آن هنگامی نیست که خانواده ای به ملاقات فرزند یا پدر یا مادر خود آمده است و به ناگهان خبردار می شود که عزیزشان را تیرباران کرده اند. گاه جلادان، به آنها که با هزار امید به دیدار دلبنده شان آمده اند شماره ای می دهند که نشان از يك گوری نام در گوشه ای دور افتاده دارد.

شکنجهای روانی

در پوشش تبلیغات ایدئولوژیک

شکنج در اوین و دیگر زندانهای جمهوری اسلامی، تنها در جریان بازجویی نیست. لحظه ای از "زندگی" يك زندانی جدا از شکنج، سپری نمی شود.

شاید بتوان گفت یکی از عذاب آورترین شیوه های آزار زندانی در اوین، استفاده از شکنجهای روانی در پوشش تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک است. بلندگوهای اوین تا ساعت ۱۲ شب، يك ریز زوزه می کشند، دو ساعت خفقان می گیرند و بعد دوباره عریه که کسی شان را ادامه می دهند. در اتاقهای "آموزشگاه" تلویزیونهای مدار بسته کار گذاشته اند که بین ساعات ۸/۵ تا ۹ شروع به پخش برنامه می کنند. برنامه این تلویزیونها - که اجباراً فرد باید به آنها گوش دهد - عمدتاً از لجن پرانی های گیلانی، لاجوردی، نبوی، قرائتی و دیگران تشکیل می شود. بخشی از وقت زندانی نیز با سروکله زدن با اصطلاح "معلمهای آموزشی" سپری

می شود. آنها در حالی که مشت و ورق پاره به همراه دارند، با انگار بر شلاق و جوخه های اعدام، زندانی را به بحث سیاسی و ایدئولوژیک دعوت می کنند. آنها حماقت از سر رویشان می بارد، ولی وقتی به سرنیزه تکیه می دهند، خود را علامه دهر می پندارند. کافی است کسی يك نفر از این آخوند های شکنجه گرا را به استهزا بگیرد و در جریان با اصطلاح بحث ایدئولوژیک، به ریششان بخندد، در این صورت بلافاصله باید منتظر عقوبتش باشد، از عا ن کند مرتد و ملحد است و تنها جوخه اعدام می تواند از پسر گناهانش برآید.

هفته ای دست کم دو بار نیز باید راهسی "حسینیه" شد. صحنه گردان اصلی "سینیه"، لاجوردی جلاد است. در برنامه های "حسینیه"، افراد مختلفی شرکت می کنند: از موسوی اردبیلی گرفته تا احمد رضا کریمی ساواکی (مشهور به "تواب و نظام")، کار "حسینیه" لجن پرانی بر علیه نیروهای انقلابی است. سخنرانان يك ریز علیه ایدئولوژی و سیاست نیروهای انقلابی، فاشی می کنند و برای این که شنوندگان کاملاً قانع شوند، در پایان "افاضات" خود به ارباب و تهیدید، توسل می جویند.

در "حسینیه" که تعداد زیادی زندانی را در آن جمع می کنند، گاه می توان شاهد صحنه جلوه های چشمگیری از حرکات اعتراضی بود. به عنوان نمونه، یکبار که بلند گو در اختیار احمد رضا کریمی خائن بود، همه زندانیان شعار دادند: "مرگ بر ساواکی!" لاجوردی بسا شنیدن این شعار از جا پرید، پشت تریبون رفت و نعره کشید: "مرگ بر خودتان! ساواکی ها که از شما بهترند!"

یکبار نیز که زواره ای، نمایند صحنه، برای "ارشاد" زندانیان، به حسینیه "تشریف" آورده بود، در حین سخنرانی او يك نفر از میان صف زندانیان زن، از جا برخاست و فریاد زد: "بی شرفها! ما را برای چه به اینجا آورده اید؟ این چه ظلمی است که بر سر ما می آورید؟ بپرید ما را بکشید و راحتان کنید!" لاجوردی، با شنیدن این سخن، مثل يك افعی زخم خورده از جا پرید و نعره زد: "مطمئن باش که اعدا مت خواهیم کرد! تو خودت حکم مرگت را صادر کردی! ما ایمن حرفها را قبول نمی کنیم! ما چند روز پیش آن دخترکی را که در مسیر دادستانی می خواست خود را از مینی بوس، به بیرون پرت کند، اعدام کردیم! ترا هم سر به نیست می کنیم!"

شرکت در برنامه های "سینیه" اجباری است و حتی در صورت داشتن بیماری شدید نیز نمی توان از زیر آن شانه خالی کرد. بنابراین من و چند نفر دیگر می خواستیم به بهانه سرما خوردگی به "حسینیه" نرویم، شدیدا مورد غضب پاسداران قرار گرفتیم. آنها ما را به اجبار روانه "حسینیه" کردند و در پایان برنامه جریان

آخرین اندیشه

صدای چکمه هاشان
موسهای بند را هم می آزد
آمدند
چشمهایش را بستند
و او را بردند

اما او به هیچ چیز نمی اندیشید
جز ستاره دنباله دار سرخی که
در انجماد ظلمت، می ترکید

صدای تازیانه، در گوش او
وقتی که جوانان خنجر می
قلب ورم کرده هوا را

می درید
به صفیر پرند ه ای می مانست
که در نخستین طلوعه خورشید
بال و پرمی شست

هی! به پرواز!
گوزنها تشنه اند
بدانان،
راه چشمه را بنما!



باز
آمدند و او را بردند
اما باز
به هیچ چیز نیندیشید
جز آن ستاره دنباله دار
و آن پرند ه
که در آفتاب، پرمی شست



این بار
پاسی از شب گذشته بود
آمدند و او را بردند
و صدها ستاره دنباله دار سرخی،
آذین سینه اش کردند
اما او در آن دم آخرین
به هیچ چیز نیندیشید
جز آن ستاره دنباله دار
که صد هزار خورشید بود
و آن هزاران پرند ه ای
که در آفتاب نور
بال و پرمی شستند!

م. ر. آهنگر

راه لاجوردی گفتند. لاجوردی دستور داد که آن شب تاصبح ماراد رهوای سرد زمستان و در زیر برف نگه دارند. ماکه پوشش مناسبی نداشتیم و پاسداران نمی گذاشتند با ورزش خودمان را گرم نگه داریم، به دنبال این مجازات در چارآن چنان سرما خوردگی ای شدیم که هنوز که هنوز است از عوارض رنج می بریم. ادامه دارد



تبليغ اسرائيلي در نماز جمعه

جلال الدين فارسي، مهربه مزد وری که تبلیغات ضد کمونیستی و ضد فلسطینی او از خبید و قاحت نیز گذشته است، بهمناسبت "روز قدس" در سخنرانی پیش از خطبه های نماز جمعه، در فحاشی به سازمان آزاد بیخش فلسطین و اتحاد شوروی به عنوان استوارترین متحد جنبش خلق فلسطین، گوی سبقت را از آمریکا و اسرائیل، رویه به نظر فارسی، سازمان آزاد بیخش فلسطین به شراب، فساد و زنا آلوده است و حال باید آنچنان رهبری ای برای آن تراشید که...

"مارکسیستها و ملحدین را مردود شمارد" اما به نظرا و باز "دهها سال زمان طول می کشد تا اثرات ناشی از این انحرافات از بین بروند. آنهايي که صد هاصد ها به دانشگاه مسکو رفتند، از شریعت اسلام باز گشتند و پشت پایه تمام عقاید امت اسلام زدند. این جاست که این نهضت با موانع عدیده مواجهه می شود."

فارسی مزدور با مطرح کردن اتحاد شوروی و کمونیستها به عنوان دشمنان اصلی خلق فلسطین و سکوت معنی دار در قبال نقش امپریالیسم آمریکا در منطقه، ماهیت خود را بخوبی عیان می سازد و در بیان لجن پراکنی های خود همصد با ارتجاعی ترین معافل مخالف ساف، نفاق افکنی را به جایی می رساند که به خود حق می دهد رهبری کنونی جنبش را کنار بگذارد و "رهبری شایسته ای (!) متناسب با معیارهای اسلامی (بخوان آمریکایی)" برای آن هو جو آورد. (نقل قولها از کیهان ۹ تیر - تاکید از ماست)

اقتصاد جنگ زده را باید جنگ زده تر کرد!

نبوی وزیر صنایع سنگین اخیراد مصاحبه ای با کیهان گفته است: "جنگ آن طور که باید و شاید وارد زندگی و اقتصاد مانده است. ۰۰۰ به اعتقاد من می بایست ما در شرایط جنگ، اقتصاد خودمان را به سمت یک اقتصاد جنگی سوق می دادیم و باید بدیم ۰۰۰ جنگ ما به این سادگیها تمام نخواهد شد."

(کیهان - ۲۳ خرداد) به زعم نبوی باید اقتصاد را کاملاً به صورت جنگی در آورد و بر مبنای سیاست خانمان برانداز تداوم جنگ، اقتصاد و رشکسته فعلی را بسا هدایت به سمت تولید "جنگی"، و رشکستمر ساخت. او خود می گوید: "ما (باید) برای جمهوری اسلامی ایران یک اقتصاد جنگی

تدارک ببینیم ۰۰۰ بسیاری از واحد های تولیدی صنایع سنگین، قابلیت این کار را نداشته و دارند که مستقیم در خدمت اهداف جنگ قرار گیرند، حال این که تا بحال چنین عمل نکرده اند و دلیلش این است که همه فکری کنند انشا الله بزودی جنگ تمام خواهد شد. باید با این قضیه برخورد قاطع شود." (همانجا)

يك حرف حسابي!

"شما می خواهید بگویند که ما جلوی هجوم دهاتی ها را به شهرهای بزرگ می خواهیم بگیریم. هر روز ۲۰۰ خانواره تهران کسوف می کنند، در حد و ۱۰۰ خانواره اطراف کرج کوی می کنند، در حد و ۲۰ خانواره قم کوی می کنند. ما هر روز ده روستا را با دست خودمان منهدم می کنیم و از بین می بریم!" (نطق پیش از دستور مجلس يك نماينده اطلاعات - ۴ تیرماه)

قلاده و زنجير

"امام که بیشتر از هر چیز جلوی چشم ما مجسم است و این امت مقلد هم قلاده و زنجیر است. ایم اسلام را با قبول ولایت فقیه به گردن انداخته است." (نماینده مرند، کیهان ۶ تیر)

کارگران "سایا" افساء می کنند

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۷/۳/۶۳ اطلاعیه "رباط عمومی شهرانی جمهوری سافیی ایران" را با این تیترو درشت چاپ نموده بود: "۱۱ کارگر شرکت سایا با اتهام سرقت و فرورش لوازم یدکی اتومبیل دستگیر شدند." در اطلاعیه گفته شده بود که در پی اقدام ماموران شعبه ۸ اداره آگاهی بیش از ۵ میلیون ریال لوازم یدکی فروخته شده جمع آوری گردید. پس از انتشار این خبر، کارگران آگاه شرکت سایاطی نامه ای به روزنامه اطلاعات ۴/۴/۶۳، این حرکت کثیف ضد کارگری را افشا نمودند. کارگران در این نامه می نویسند:

"خاطیان از خدایی خبر این شرکت که بعضی از آنها مانند آقای ۰۰۰ (نام ایمن شخص در نامه ذکر شده است - اطلاعات) فتو دادل نیز می باشند، از سالهای ۹ و ۱۰ اقدام به سرقت اموال شرکت می کردند و لوازم یدکی اتومبیل های رنو و ژیا را توسط عده ای سارق به واسطه های فروختند و باین ترتیب طی این مدت ۲۵ میلیون تومان از اموال شرکت را خراب و هیل کردند ولی آنچه مورد تاسف و تاثر ما کارگران شده این است که اداره آگاهی این سارقین را کارگشتناسایی کرده و در جراید نیز با همیمن عنوان معرفی شده اند، در حالیکه یکی از آنها همیمن آقای ۰۰۰ است که در کمال آباد کسب زمین ها و باغات کشاورزان را غصب کرده و بصورت غیرقانونی به افراد ناآگاه بطور غیرمجاز می فروشد و در کارخانجات هم دست به سرقت دسترنج کارگران زده است و این فرد ضد انقلاب کماز هر فرصتی برای ضربه زدن به انقلاب استفاده کرده و خواهد کرد، همواره مقابل کارگران انقلابی و متعهد این شرکت بود و ما لاخره

هم با وارد آوردن این ضربه موجبات دلسردی کارگران فعال را فراهم آورده است."

گروهی از دیگر کارگران نیز طی نامه ای مشابه گفته اند: "ما ۰۰۰ ضمن محکوم کردن اینگونه تعامل ننگین از مسئولین شهرانی جمهوری اسلامی ما می خواهیم ماهیت واقعی سارقین را هر چه زودتر مشخص و اعلام کنند، هرچند که برای ما کارگران از مدتها پیش مشخص و معلوم بود و اگر مقامات ذریعط بخواهند حاضر به افشای نام آنها نیز هستیم."

نردبان مراد

"يك حرکت مرموز شده که نیروهای دلسوز انقلاب را کنارزنند. آنچه که مسلم است این حرکتها به وضوح و آشکار در بسیاری از نقاط به چشمی خورد و کم نیستند و در کشور ما و انسان مخلصی که از دست فرصت طلبها و عناصر مرموز جان به لبشان رسیده و نمی دانند چه کنند. این موضوع را جدی باید تلقی کرد و لازم است پاره اندیشی شود. ۰۰۰ بسیاری از روستائیان ما حالا هم از دست خوانین در امان نیستند. بسیاری از درگیری های روستاها به وسیله همین خوانین طرح ریزی می شود. ۰۰۰ کمتر موردی پیش می آید که به سراغ این جرثومه های فساد که مفسده انگیز اجتماع هستند بروند و آنها را به سزای اعمالشان برسانند. بسیاری از خوانین با خود شیرینی و باشیطنتهای خاص خودشان نزد برخی افراد و جبهه المله جای پای می کنند و از همین جای پا، هم با بر سر حق ضحافی گذارند و هم از نردبان مراد بالای می روند." (سید عباس موسوی نماینده درود و از نسنا کیهان - ۱۳ تیرماه)

يك بیمارستان نمونه در جمهوری اسلامی

زایشگاه بیمارستان: "مشکلات در این قسمت زیاد است، هم از نظر کمبود وسایل و هم از نظر پرسنل، ما نرسد دیگر قسمتها سوسک در بخش نوزدان زیاد است ما بخش را تخلیه کردیم تا بوسه سمپله مواد ضد عفونی کننده سوسک را از بین ببریم و سه ینا چهار روز این کار ادامه داشت، ولی بعد از آن سوسکهها راحتی در تخت کودکان و در قوطی شیر نوزدان دیدیم!"

تخت اتاق درد در این زایشگاه کم است و ما تا ۵ نفر می توانیم در روی این تختها جای دهیم، بقیه مجبورند که در راهرو قدم بزنند!

بخش و ژانسن: "یکی از مشکلات ما این است که اورژانس ما بدون تخت است، یعنی اورژانس فقط شامل يك اتاق پزشک می شود و يك اتاق عمل که تخت ندارد!"

"يك زا و را برای عمل سزارین فرستادیم. گرگان، قبول نکردند و فرستادند، ساری و بعد هم انتقال دادند به امل، حتی صاحب مرخص نیز نمی دانست بیمارش کجا است!" (بیمارستان "شهید هطبری" - اطلاعات ۷ فروردین)



پس عیدی ما چه شد؟

میزان متوسط عیدی هر ساله کارمندان دولت پایین تر است. - بعد از گذشت قریب به ۴ ماه از آغاز سال نتوانسته است عمل کند و از این طریق اغلب کارمندان دولت را - که بقول خودشان " اکثر سکه را پیش فرو کرده‌اند -" (اطلاعات - ۴ تیرماه) - در فشار زیادی قرار داده است. آنها دم به دم به روزنامه‌ها، نامه می نویسند، تلفن می‌زنند و شکایات خود را با عباراتی از این دست ابراز می‌دارند:

- " چرا سکه های قراردادی را نمی‌دهید؟" (کارمندان قراردادی آموزش و پرورش، کیهان - ۲۱ خرداد)
- " هنوز سکه های ما را نداده‌اند!" (کارمندان هواپیمایی، کیهان - ۲۷ خرداد)
- " سکه های ما را چه موقع می‌دهند؟" (کارمندان جهاد خودکفایی وزارت بهداشت، کیهان - ۴ تیر)
- " سکه عیدی کارمندان چه شد؟" (کارمندان شهرتانی، اطلاعات - ۴ تیر)
- " بهارمان در انتظار سکه بهار آزادی گذشت!" (عده‌ار کارمندان دولت، همانجا)
- " سکه های بهار آزادی ما را چه وقت می‌دهند؟" (کارمندان خرید خدمت وزارت مسکن و شهرسازی، کیهان - ۱۳ تیر)

کارخانه‌ها به کار بسته می‌شود، نه تنها هیچگونه " جذابتی " در بر ندارند تا اشتیاقی در مستحقان جهان " برای مستفیض شدن از رهبری جمهوری اسلامی برانگیزند، بلکه کارگران آگاه میهنمان نیز مبارزه می‌کنند تا اینگونه قوانین و مقررات ضد کارگری را در زباله دان تاریخ بیندازند.

ورشکستگی اقتصادی جمهوری اسلامی، روز بروز جلوه‌های بیشتری از خود را در معرض دید همگان قرار می‌دهد. رژیم برای تداوم جنگ خانمان برانداز فعلی چنان رقم اقتصاد کشور را کشیده است که حتی بعد از گذشت قریب به ۴ ماه قادر نیست عیدی ناقابل کارمندان دولت را بپردازد.

رژیم بنا بر توصیه کنوکرانهای خویش، امسال بر آن شده که برای باصلاح کاهش نقدینگی و جذب مقداری از اسکناسهای در گردش - سیستم بانکی، مقادیر فراوانی سکه طلا عرضه کند. در همین راستا بود که تصمیم گرفته شد به جای عیدی به کارمندان دولت سکه " بهار آزادی " پرداخت شود. حکومتگران بر این باور بودند که کارمندان، سکه عیدی را باخ خواهند کرد و از این رو پرداخت طلا بر پرداخت مستقیم پول ارجحیت دارد و در آستانه سال، " میل به مصرف " را دامن نمی‌زند. این برداشت بر اساس يك تحليل رواشناسا احمقانه از علل تورم افسارگسیخته موجود استوار است؛ که بر اساس آن تصویری شود مردم گرسنه ایران با " مصرف گریزی " خود، توازن عرضه و تقاضا را برهم زده‌اند. در این تحلیل، مطلقاً به این نکته که سطح مصرف اکثریت مردم مادشرایط فعلی، به مراتب پایین تر از استانداردهای معمولی مصرف است، توجه نمی‌شود.

رژیم بروعه خوددینی بردادن يك سکه طلای آزادی به عنوان عیدی - که قیمت آن از اوین، و نمایندگان شایسته طبقه کارگر را به زیر شکنجه‌های ددمشانه و جوخه اعدام می‌سپارد، می‌توان دریافت ارزشهای الهی " مورد نظر و زیرکارکدام است. آن " ارزشهای الهی " ای که وزیرکار به آن استناد می‌کند و اکنون در قالب قوانین و مقررات و آیین نامه‌های ارتجاعی - به زور سرنیزه پاسداران جهل و سرمایه - در

افاضات وزیرکار در کنفرانس بین‌المللی کار و رسوائی بیشتر حکومت کارگوستیز

سرحدی زاده وزیرکار طی سخنرانی خود در کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو گفت: " تا زمانی که استانداردهای بین‌المللی کار بر مبنای ارزشهای الهی تدوین نگردد، هیچ گونه تضمینی برای رعایت آنها وجود نخواهد داشت." (کیهان ۲۰ خرداد)

" کارگر " مجهول الهویه و بی نام و نشانی نیز از سوی حکومت به این کنفرانس بین‌المللی که نماینده‌های اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایان و دولت هر کشور در آن شرکت می‌کنند، فرستاده شده بود. وی نیز نظریات دولت را بیان نمود و از سیاستهای ضد کارگری حکومت دفاع کرد. نمایندگان کنفدراسیونهای کارگری بعضی از کشورهای جمله فرانسه، سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم کردند. نماینده کنفدراسیون عمومی کار (ژ.ت.ا) از فرانسه گوشه‌هایی از این سیاستها را در این کنفرانس مطرح کرد.

فرستادگان دولت و مزدوران حکومت در این کنفرانس با رسوائی تمام روبرو شده و در مقابل با انتقادات و اعتراضات به " وحی الهی "، " ارزشهای الهی " و " متوسل گشتند. استانداردهای بین‌المللی که دولت و جمهوری اسلامی هیچگونه " تضمینی بر مبنای رعایت آنها " نمی‌بینند از جمله اعلامیه بنام حقوق سندیکایی است که دولت مقاوله ناممه امضا شده آزمایش را تایید قرار داده است. در مواد ۱ تا ۵ این اعلامیه آمده است:

" زحمتکشان از جمله کارمندان دولت، حق دارند بدون کسب اجازه گرد هم آیند، سندیکا تشکیل دهند، به سازمانهای سندیکایی موجود بپیوندند، بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هرگونه فعالیت سندیکایی شرکت نمایند. ۱۰۰ اعضای سندیکاهای آزادانه اساسنامه سندیکایی خود را تنظیم می‌کنند و طرز کار و فعالیت‌های سندیکا را بدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می‌دهند. اعضای سندیکا حق دارند، طبق اساسنامه، رهبران سندیکاهارا انتخاب کنند و به عضویت ارگان‌های رهبری سندیکایی انتخاب شوند. " (هفته نامه اتحاد، شماره ۱۲۲، ۵ آبان ۶۰)

باتوجه به اینکه کلیه این " استانداردها " در جمهوری اسلامی لگدمال می‌شوند و جمهوری اسلامی جز فقر و فلاکت برای کارگران امغانی نداشته، آنها را از شکل بازمی‌دارد، تشنگی‌های موجود را به انهدام می‌کشاند، کارگران آگاه را به مسلخ‌های قرون وسطایی

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

جمهوری توده‌ای مغولستان: از خواب عمیق قرون وسطایی قاپیشرفت در مسیر سوسیالیسم

اساسی جزئی از اموال عمومی و متعلق به دولت است. تعاونی‌ها در بخش کشاورزی فعالیت دارند. درآمد ملی در مغولستان در فاصله سال ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۷۸ بیش از دو برابر شده است. در همین فاصله تولید صنعتی به نزدیک به پنج برابر تولید انرژی به حدود ۱۵ برابر رسید. بخش مهم صنایع کشاورزی فرایند محصولات کشاورزی و دامپروری اختصاص دارد، اما صنایع فلزی نیز بطور روز افزون گسترش می‌یابند.

مجلسه قهرمان
ملی مغولستان و
بنیانگذار جمهوری
توده‌ای مغولستان
"سوخته باتور" در
یکی از میادین
اولان باتور،
پایتخت مغولستان

۱۹۲۱ یعنی ۴ ماه پس از انقلاب تأسیس شد. در آن زمان ۹۹/۵ درصد جمعیت کشور بیسواد بودند. امروزه برنامه عمومی کردن تحصیلات رایگان هشت ساله تقریباً با موفقیت به پایان رسیده و ارتقای تحصیلات عمومی و رایگان به ۱۰ سال در دستور کار قرار دارد. هزاران متخصص مغولی در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و یاد مغولستان تحت نظر کارشناسان کشورهای برادار آموزش دیده‌اند. در سال تحصیلی ۱۹۷۸/۷۹، ۶۳۷۰۰۰ مدرسه با ۳۶۲۰۰۰ دانش‌آموز، ۳۷ مدرسه حرفه‌ای با ۱۹۷۰۰۰ محصل، ۲۴ مدرسه تخصصی با ۱۶۹۰۰۰ دانشجو و ۶ مدرسه عالی با ۱۹۸۰۰۰ دانشجو



وجود داشت که به مقیاس جمعیتی معادل ۱/۶ میلیون نفر، ارقام جالب توجهی است. در مغولستان ۱۶۴۰۰ تخت بیمارستان (بدون در نظر گرفتن آسایشگاه‌ها) موجود است که نسبت آن به تعداد جمعیت (به ۱۰۰) سه برابر برقریه مشابه در تهران (به ۳۰۰) و شش برابر برقریه مربوط به کل ایران است. ۳۳۰۰ پزشک در مغولستان فعالیت می‌کنند.

زنان در جمهوری توده‌ای مغولستان نقش بزرگ و شایانی در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بعهده دارند. در انتخابات ۱۹۷۷، ۲۳ درصد نمایندگان منتخب برای پارلمان این کشور از زنان تشکیل می‌دادند. "کمیته زنان مغولستان" که در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد، عضو رسمی فدراسیون بین‌المللی زنان دموکرات است. مغولستان از پیروزی انقلاب مردمی

ضد فئودالی و ضد امپریالیستی در سال ۱۹۲۱ بدین سو همواره سیاست خارجی مترقی و صلح‌دوستانه‌ای را تعقیب کرده است. امروزه این کشور نقش مهمی در سیاست خارجی مشترک و هماهنگ شده ارد و گاه سوسیالیسم ایفا می‌کند. مغولستان بیش از حد همزاد ترین متحد کشور شوراهای بود همکاری اتحاد شوروی و مغولستان که لنین کبیر مبتکر و پایه‌گذار آن بود، نخستین نمونه روابط برادرانه میان دو دولت در تاریخ بشر است.

تکامل شتابانی که مغولستان در شش دهه اخیر پشت سر گذاشته، برآستی آیینسه تمام نمای دوران گذار از سرمایه‌داری سوسیالیسم، عصرهایی بشریت از استثمار بردگی، و نمونه درخشانی از تعالی جامعه‌ای عقب‌مانده و بدوی بسوی سوسیالیسم است.

بویژه باید از پروژه مشترک اتحاد شوروی و مغولستان در زمینه استخراج و تولید مس و مولیبدن نام برد که در سال ۱۹۷۸ تولید خود را آغاز کرد.

دامپروری همچنان نقش مهمی در اقتصاد مغولستان ایفا می‌کند. نسبت تعداد دامها به جمعیت در مغولستان بیش از هر کشور جهان است. ۵۰ درصد کل صادرات مغولستان را محصولات دامپروری تشکیل می‌دهد.

علاوه بر صنعت، تمرکز تولید و بزرگ مقیاس شدن آن، در کشاورزی و دامپروری نیز به سرعت جریان دارد. در حالی که در سال ۱۹۵۹، ۷۲۷ واحد تولیدی تعاونی در این بخش وجود داشت، اینک بر اثر تمرکز تولید و بزرگ شدن واحدها، این رقم به ۲۵۷ رسیده است. علاوه بر این تعداد، ۵۷ واحد دولتی نیز وجود دارد.

در مغولستان از بیکاری خبری نیست. طبق قانون، زحمتگشان در روز ۸ ساعت کار می‌کنند. البته در مورد مشاغل سنگین، تعداد ساعات کار روزانه کمتر است (۶ الی ۷ ساعت). کارگران و ناظران از مرخصی سالانه (با حقوق) برخوردارند و همگی مشمول بیمه اجتماعی هستند، که بهداشت و درمان، بیمه از کارافتادگی، موقت یا دائم، کمک‌های مالی در موارد مختلف، بیمه بازنشستگی و بیمه افراد تحت تکفل را در بر میگیرد. در صورت باردار شدن، زنان می‌توانند از ۱۰۱ روز مرخصی با حقوق کامل و مزایا، و در صورت تقایل از ۶ ماه مرخصی پس از زایمان با دستفاده از کمک مالی برخوردار گردند.

نخستین مدرسه در مغولستان در نوامبر

۱۱ ژوئیه (۲۰ تیر) سالگرد پیروزی انقلاب مردمی مغولستان در سال ۱۹۲۱، و روز ملی جمهوری توده‌ای مغولستان است. مغولستان در آسیای مرکزی، بین اتحاد شوروی و چین قرار گرفته و مساحت آن برابر ۱،۵۶۵،۰۰۰ کیلومتر مربع است. طبق سرشماری ۱۹۷۹، این کشور ۱،۶۴۱،۰۰۰ نفر جمعیت دارد. پایتخت مغولستان "اولان باتور" نام دارد و زبان رسمی آن مغولی است.

تا قبل از انقلاب ۱۹۲۱، مغولستان از عقب‌مانده ترین کشورهای آسیا بود. تقسیم کار اجتماعی مراحل اولیه تکامل خود را می‌گذراند. نه تنها صنعت وجود نداشت، بلکه تقریباً از تولید کارگاهی خرد به پانیز خبری نبود. در آن زمان، بخش اعظم تولید ملی مغولستان را محصولات دامپروری تشکیل می‌داد. ۱۳۸۴ فئودال و ۲۷۴۹ صومعه بودایی (که روحانیون آن نقش فئودال را ایفا می‌کردند)، یعنی ۵۰/۵ درصد کل جمعیت، ۹۷ درصد دام‌های کشور را در اختیار داشتند. کشاورزی زیاد رواج نداشت.

تنگان شدیدی که انقلاب اکثرت به جهان داد، به تغییرات شگرفی در مغولستان، جامعه به خواب رفته قرون وسطایی، منجر شد. در اول مارس ۱۹۲۱، حزب انقلابی خلق مغولستان تشکیل گردید و نخستین کنگره خود را برگزار کرد. اندکی پس از آن، در ۱۱ ژوئیه ۱۹۲۱، این حزب قدرت دولتی را در دست گرفت. در ماه اوت ۱۹۲۴، سومین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان برنامه راه رشد غیر سرمایه‌داری برای این کشور را مورد تصویب قرار داد. در ۲۶ نوامبر ۱۹۲۴، جمهوری توده‌ای مغولستان تأسیس شد و قانون اساسی آن رسمیت یافت.

مغولستان به کمک اتحاد شوروی به نخستین کشوری تبدیل گردید که بدون گذراندن مرحله سرمایه‌داری تکامل اجتماعی، راه سوسیالیسم را در پیش گرفت. پس از انعقاد قرارداد دوستی مغولستان و روسیه شوروی در نوامبر ۱۹۲۱، نخستین صنایع در کشور بوجود آمدند.

مرحله دمکراتیک انقلاب تا سال ۱۹۴۰ ادامه داشت و از آن پس، دوره ایجاد پایه‌های سوسیالیسم آغاز شد. در سال ۱۹۵۹، دگرگونی سوسیالیستی بخش کشاورزی و دامپروری به پایان رسید و در سال ۱۹۶۲، مغولستان به "شورای همیاری اقتصادی" پیوست.

در آغاز ساختمان سوسیالیسم در سال ۱۹۴۰، سهم صنعت در کل تولید کشور، تنها ۱/۵ درصد بود. امروز صنایع مغولستان ۷۰ درصد محصولات را تولید می‌کنند. در مغولستان زمین و منابع آن، جنگل‌ها، آب‌ها و شروت‌های آن، کارخانجات و کارگاه‌ها، معادن، شبکه حمل و نقل، پست و مخابرات طبق قانون



رویدادهای جهان

دانشمندان جهان، علیه نقشه‌های ریگان برای مسابقه تسلیحاتی در فضا

حدود ۲۵۰۰ دانشمند از کشورهای اروپا، ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی در کنفرانسی که تحت شعار "مستولیت برای صلح" در شهر دانشگاهی گو تینگن در آلمان فدرال تشکیل شده بود، شرکت کردند. مهمترین موضوع مورد بحث در این کنفرانس جهانی دانشمندان جلوگیری از نظامی کردن کیهان بود. شرکت کنندگان در این گردهمایی با قاطعیت تمام با گسترش دامنه مسابقه تسلیحاتی به فضا که دولت ریگان مسئول آن است، ابراز مخالفت کردند. دانشمندان طغیان علیه اعلام نمودند که نظامی کردن کیهان، خطر چنگ هسته‌ای در زمین را افزایش می‌دهد. تعداد زیادی از شرکت کنندگان اشاره کردند که میان برنامه تولید و استقرار موشکهای قاره پیمای ام-ایکس در آمریکا، استقرار موشکهای میان برد در اروپای غربی و تلاش برای ایجاد نوعی چتر فاعسی ضد موشکی بر فراز ایالات متحده آمریکا ارتباط مستقیم وجود دارد. نمایندگان کنفرانس رویایی "گزند ناپذیری" آمریکا در صورت ایجاد سیستمهای ضد موشکی در فضا را که دولت ریگان بسنه دنبال تحقق آن است، بی اساس و غیرممکن خواندند.

پرفسور "لاینس پاولینگ" شیمیدان مشهور آمریکایی و برنده جایزه نوبل که در کنفرانس گو تینگن شرکت داشت، نظامی کردن فضا را جنایت در حق بشریت خواند.

در کنفرانس گو تینگن، ابتکار اتحاد شوروی در مورد پیشنهاد آغاز مذاکرات برای جلوگیری از نظامی کردن کیهان بعنوان پیشنهادی جدی و سازنده ارزیابی گردید. شرکت کنندگان در کنفرانس به تدوین طرح قراردادی مربوط به منع استقرار سلاح در فضا و ارایه آن به اتحاد شوروی و آمریکا توجه خاص مبذول نمودند.

مدیران باید به منطقه صلح تبدیل شود

در لرگارد کنفرانس سه روزه ای با شرکت نمایندگان احزاب ترقیخواه ۱۴ کشور منطقه مدیترانه تشکیل شد. در این کنفرانس همچنین هیأتی از سازمان آزاد بیخس فلسطین علا و همسر نمایندگان ۳۴ حزب، شرکت جست. موضوع مورد بحث، برنامه عمل برای تبدیل منطقه مدیترانه به منطقه صلح و امنیت، همکاری دوستانه و ترقی اجتماعی بود. با سرعفات رئیس کمیته اجرایی ساف در این کنفرانس سیاست خودمیانمای آمریکا را محکوم کرده و گفت تجاوز اسرائیل بسنه لبنان نشان داد آمریکا متجاوزان را رعایت نکند.

۶۴ فقره عملیات نظامی علیه اشغالگران اسرائیلی در جنوب لبنان

مردم لبنان مقاومت خود علیه اشغال یک چهارم خاک کشور خود توسط اسرائیل را گسترش می‌دهند. به گزارش روزنامه شوروی پرودا، تنها در ماه ژوئن ۶۴ فقره عملیات نظامی علیه اشغالگران اسرائیلی در جنوب لبنان انجام گرفت. در طول سال ۱۹۸۳، بیش از ۵۰ رشته عملیات جنگی علیه صهیونیست‌ها انجام شد. تحت تاثیر مبارزه مردم لبنان علیه تجاوز اسرائیلی، آمریکا و ناتو بود که قرارداد اسارت بار لبنان - اسرائیل لغو گردید. اکنون دولت لبنان به ریاست رشید کرامی آزاد سازی جنوب کشور را اشغال اسرائیلی از وظایف عمده خود اعلام کرده و خواهان اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد درباره خروج نیروهای اشغالگر اسرائیلی از خاک لبنان شده است.

ارتش اسرائیل به عملیات تروریستی در جنوب لبنان ادامه داده و می‌کوشد از این طریق مبارزه آزادخواهانه میهن پرستان را سرکوب کند. روز یکشنبه ۸ ژوئیه (۱۷ تیر) سربازان اسرائیلی در روستاهای واقع در نزدیکی بنادر صو صیدا مردم رادسته دسته مسورد تفتیش قراردادند. صهیونیست‌ها همچنین در مرکز صیدا بسوی عابرین آتش گشودند و یک نفر را به سختی مجروح کردند.

از سوی دیگر عبدالخلیم خدام معاون ریاست جمهوری سوریه طی یک گردهمایی احزاب و سازمانهای سیاسی در دمشق، اظهار داشت تدارکات اسرائیل برای انجام عملیات نظامی جدید بدون تایید و پشتیبانی آمریکا غیرممکن است. وی افزود سوریه مصمم است در آینده نیز از حقوق مشروع اعراب دفاع کرده و بسا تجاوزگران مقابله نماید. خدام از اقدامات دولت لبنان جهت عادی کردن اوضاع در این کشور را اعلام حمایت نمود.

گردهمایی احزاب کمونیست امریکای لاتین

در بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین گردهمایی احزاب کمونیست آمریکای لاتین گشایش یافت. حزب کمونیست آرژانتین طی یک بیانیه مطبوعاتی اعلام کرد، مسایلی از قبیل بررسی سیاست مداخله گرانه ایالات متحده در آمریکای مرکزی، مبارزه برای حفظ صلح جهانی و علیه مشی نظامی گری آمریکا و نیز تلاشهای امپریالیسم پمپنطور تحت فشار قرارداد کشورهای مقروض آمریکای لاتین در دستور کار اجلاس مشا و ره احزاب برادر در این قاره قرار دارد.

۲۱ هزار نفر از اعضای باندهای مسلح، خود را به مقامات افغانستان تسلیم کردند

در افغانستان تعداد هرچه بیشتر از افراد گروههای ضد انقلابی که قبلاً تبلیغات دشمنان حکومت مردمی این کشور را

خورده بودند، اسلحه خود را به زمین گذاشته و به انقلاب می‌گروند. تاکنون بیش از ۲۱ هزار نفر مسلح خود را به مقامات افغانستان تسلیم کرده‌اند. انقلاب افغانستان به آنهایی که تا دیروز با آن مبارزه می‌کردند اما اکنون با شتیاه خود پی می‌برند، امکان می‌دهد تا بنده عادی به کار زندگی خود بازگردند. تنها در ناحیه "اندرآب" اخیراً ۱۶۰۰ نفر از اعضای سابق باندهای اشرا سلاح خود را به زمین گذاشته و برای همکاری با دولت اعلام آمادگی نمودند.

"عبدالحمید" فرمانده سابق یک گروه ضد انقلابی طی گفتگویی اظهار داشت که به اتفاق اعضای گروه خود پنج سال در صف دشمنان انقلاب قرار داشت است. وی گفت: "به مایه گفتند اسلام به خطر افتاده، اسلحه بدست بگیرید و از دین اسلام دفاع کنید. اکنون من یقین حاصل کرده‌ام که حکومت مردمی به احساسات مومنین احترام می‌گذارد. مثلاً مقامات وعده داده بودند مسجد اندراب را تعمیر کنند و چنین نیز کردند. ما تصمیم گرفتیم اسلحه را زمین بگذاریم، زیرا فهمیدیم که حکومت مردمی بسود ما اقدام می‌نماید. حکومت مردمی به زارعان، زمین، آب و مسکن می‌دهد و می‌خواهد سواد به بچه‌های ما بدهد. بدین جهت من به اتفاق اعضای گروه خود به انقلاب گرویدم و حاضران آن پاسداری کنم."

اعتراض حزب کمونیست سری لانکا به گشایش دفتر نمایندگی اسرائیل

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سری لانکا تصمیم دولت این کشور در مورد صدور اجازه برای گشایش دفتر حفاظت منافع اسرائیل در سفارت آمریکا در کلمبو، پایتخت سری لانکا را محکوم کرد و ضمن اشاره به اینکه در این دفتر، افراد موساد سازمان جاسوسی و "امنیت" اسرائیل بکارگمارده شده‌اند، تاکید نمود موساد یک سازمان تروریستی بین المللی صهیونیسم است که سو قصد های سیاسی و جنایت زیادی از قبیل قتل، باجگیری و آدم ربایی مرتکب می‌گردد.

علاوه بر حزب کمونیست، سایر احزاب و سازمانهای اپوزیسیون سری لانکا به برقراری روابط با اسرائیل اعتراض کردند. به دعوت احزاب "تامیل"، مردم نواحی شمالی کشور که اکثرابه این خلق تعلق دارند، علیه بکارگیری عوامل جاسوس اسرائیل برای سرکوب منوالفین دست به اعتراض زدند. خانم باندرا نایکسه نخست وزیر سابق سری لانکا ظاهراً این اقدام دولت، به گسترش رگیری اعراب و اسرائیل و تمامی خشونت‌های مربوط به آن، در سری لانکا خواهد انجامید.

اخیراً وزیر خارجه سری لانکا طی بازدید از دانهارک گفت که "آمریکایی‌های خیرخواه" در برقراری روابط کلمبو - تل آویو نقش دلالی را برعهده داشته‌اند.



تشدید آزار و اختناق در ماه رمضان

ماه رمضان برای ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی، فرصت دیگری بود برای تشدید آزار و اختناق، در همه شهرهای ایران. واحدهای منکرات به جان مردم افتادند. هر روز گروه کثیری را با خاطر "روزه خواری" شلاق میزدند. با همین اتهام عده بسیاری را از ادارات و کارخانجات اخراج کردند. نمونههایی از آن را ذکر می کنیم:

رشت

مردم این شهر امسال نیز مانند گذشته پس از افطار در خیابانها و پارکها به گردش و آمد و رفت پرداختند. واحدهای منکرات و ارگانهای سرکوب از این کار ناراضی بوده و انتظار داشتند مردم به مساجد روی آورند. به این خاطر از طریق گوناگون کوشیدند. مردم را از گردش شبانه بازدارند. ابتداء ستور دادند. مغازه های بستنی فروشی و دیگر مغازه ها بسته شود تا جایی برای مراجعه مردم نماند. آنها حتی از کسب بستنی فروشیهای دوره گرد هم جلوگیری کردند. اما از حضور مردم در خیابان کاسته نشد. او یا ش و ایسته به حکومت ضربه و شتم مردم در خیابانها پرداختند. اما مردم با حضور در ریاض محتشم (پارک اصلی شهر) و دیگر پارکها و میادین به مقاومت در برابر این اجحاف لجام گسیخته ادامه دادند. سپاه خشمگین از مقاومت مردم، دستور داد چراغ های پارک را خاموش سازند، در برابر آن، مردم با چراغهای زنبوری به پارک می آمدند. سپاه که از بیرون راندن مردم عاجز شده بود، در یکی از شبها با توزیع قرآن در میان مردم کوشید آنها را به مساجد بکشاند که البته بی نتیجه بود. حضور شبانه مردم رشت در پارکها و میادین به شکلی از ابزار مخالفت مردم با حکومت تبدیل گردید و تا آخرین شب ماه رمضان بنحو گسترده ادامه یافت.

در همین شهر نیز هر روز در میدان اصلی عده ای را با خاطر "روزه خواری" شلاق میزدند. یکبار مردم حاضر در میدان که ناظر صحنه بودند، مامورین منکرات و پاسداران محافظ راه می کنند. پاسداران برای پراکنده کردن مردم اقدام به تیراندازی می نمایند. مردم در حالیکه متفرق می شدند شعارهایی در محکوم ساختن سرکوب سردادند.

اهواز

در اولین شب ماه رمضان در اهواز

عده ای چاقو دار وابسته به رژیم، به یکی از سینماهای شهر می ریزند و به شدت تعاشاچیان را مضروب می سازند. آنها تعاشای فیلم را مخالف موازین شرعی می دانستند. شایع شد است که دو نفر از مجروحین، درگذشته اند.

کرج

در شرکت پلیکا وقتی که ماموران کمیتسه می خواستند یکی از کارگران را با خاطر روزه خواری شلاق بزنند، کارگران یکپارچه مخالفت می کنند و بالاخره ماموران کمیتسه و منکرات را به عقب نشینی وامی دارند. کارگران در روز بعد یکی از خبرچینان وابسته به انجمن اسلامی را که گزارش روزه خواری را به کمیتسه می داد، به شدت تشویه می کنند.

کارگران متحد، پیروزمی شوند

در اردیبهشت ماه سال جاری پنج هزار تن از کارگران آذربایجان و صنعت کارون، با تقاضای اضافه حقوق، دست به اعتصاب می زنند. پیش از آن کارمندان شرکت موفق شده بودند مسئولان را وادار به افزایش حقوق آنها نمایند. در برابر اعتصاب کارگران، مسئولان شرکت کوشیدند کارمندان را به مقابله با کارگران بکشانند و مدعی شدند که گویا کارگران مخالف افزایش حقوق کارمندان هستند. کارگران با هشیاری با این توطئه برخورد و آنرا افشا می کنند و ضمن بیانیه ای همبستگی خود را با کارمندان ابراز می نمایند. مقامات استان خوزستان با تهدید می کوشند کارگران را موعوب نمایند. فرماندار در سخنان خود در خطابه به کارگران می گوید: "اگر در شعارهایتان الله اکبر نمی بود حتما همه تان را به مسلسل می بستیم"، مسئولین شرکت پس از دو روز مجبوره عقب نشینی شده و با ۲۰ درصد اضافه حقوق موافقت می کنند.

در ایران ناسیونال

در کارخانه ایران ناسیونال چندی قبل از سوی مسئولین دستور داده می شود تا از تهیه غذای روزانه برای کارگران خودداری شود و در عوض ۵۰ ریال بابت نهار به کارگران بپردازند. این اقدام به اعتراض شدید و اعتصاب کارگران منجر شد. در نتیجه مبلغ پرداختی به دو بیست ریال افزایش یافت. اخیرا خبر رسید که عده ای از کارگران معترض را با بیانه های مختلف اخراج نمودند.

در همین کارخانه اعتراض کارگران به قطع سهمیه پیکان همچنان ادامه دارد. اخیرا مسئولین تصمیم گرفتند در ازای قطع سهمیه به هر کارگر ۵۰۰ ریال بپردازند. با وجود پرداخت مبلغ مزبور، از اعتراض کارگران کاسته نشده است.

صدر حمت به ربا خواری!

دولت "حامی مستضعفان" هر سال بیشتر از پیش برای پرداخت وام مورد نیاز کشاورزان

سنگ اندازی می کند. اخیرا مقرر کرده است که هر متقاضی وام باید سه نفر دیگر را بعنوان ضامن معرفی نماید. وام گیرنده بنیدیک سفته به اندازه وام دریافتی به بانک کشاورزی و یک سفته دیگر نیز بهمان مبلغ به شرکت تعاونی بدهد. یکی از ضامنین نیز باید سفته دیگری به اندازه وام به بانک بدهد. به زبان دیگر دولت سه برابر وام پرداختی، اسناد معتبر اخذ می کند.

زمین داران،

در پناه سر نیزه برمیگردند

وقایی یکی از زمینداران بزرگ شهرستان قم بودند که زمینهای زراعتی او در روستاهای اطراف این شهر، پس از انقلاب مصادره می شود. این شخص اخیرا با در اختیار گذاشتن حکم دادستانی اقدام به پس گرفتن زمینهای مصادره شده را کرده است. در یک روستا و با مخالفت روستاییان و نیز روحانی مترقی روستا مواجه می شود. او به سپاه پاسداران مراجعه می کند، ماموران سپاه در حمایت از زمیندار به روستا آمده و شانزده تن از روستاییان را همراه با روحانی مترقی ده بازداشت می کنند.

کملهای مالی رسیده

رقفای فدایی در شهر و پرتال ۷۶ مارک
رقفای فدایی در شهر دورتموند ۵۰ //

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رقفای فدایی و توده ای
در شهر و پرتال (آلمان فدرال)

تأمین کردند

AKSARIYAT

NO. 15

FRIDAY. 13 JULY 84

با نشریه "اکثريت" می توانی مدار
ظریق آدرس های زیر مکاتبه کنید.

POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 68156
LOS ANGELES, CA 90068
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110008
INDIA

هندوستان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا